10.30497/IFR.2021.240367.1598 20.1001.1.22518290.1400.10.2.4.1

Bi-quarterly Scientific Journal of "Islamic Finance Researches", Research Article,
Vol. 10, No. 2 (Serial 20), Spring & Summer 2021

Designing a New Model of Islamic Micro-Financing in Iranian Banking System (Based on Mandate, Qarz al-Hasan and Murabaha Contract)

Wahab Qelich*
Mandana Taheri**

Received: 24/01/2021
Accepted: 10/08/2021

Abstract

In recent decades, micro-financing institution has been proposed in many countries as a suitable solution for increasing entrepreneurship and job creation and improving the welfare of poor and moderate households. Due to the deficiency of microfinance instruments appropriate for low and average income groups of the society in the Iranian banking system, the targeted provision of these services has failed to achieve its goals. Hence, it is necessary to design new methods for financing these social groups, so that while efficient, they keep in line with the goals and functions of Iranian banking. This paper has designed and presented a new model for microfinance in the Iranian banking system by using a descriptive- exploratory method and experts' points of view. The proposed model is based on attracting deposits through special contract of mandate and payment of facilities using *Qarz al-Hasan* and *Murabaha* contracts with the aim of financing the weak and middle classes of the society.

Keywords

Microfinance; Islamic Finance; Murabaha Contract; Advocacy Contract; Qarz al-Hasan Contract.
JEL Classification: D14, G21, O16.

* Assistant Professor, Monetary and Banking Research Institute, Central Bank of the Islamic Republic of Iran (Corresponding Author). w.qelich@mbri.ac.ir 0000-0003-1512-7322
** Assistant Professor, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. mandanataheri@aut.ac.ir 0000-0001-7741-7208

OPEN ACCESS

10.30497/IFR.2021.240367.1598
20.1001.1.22518290.1400.10.2.4.1
دو فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صص. ۵۳۹-۵۷۲

طراحی الگوی نوین تأمین مالی خُرد اسلامی در نظام بانکی ایران (مبتنی‌بر عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه)

وهاب قلیچ *
ماندانا طاهری **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

یکی از نهادهای مرتبط با حوزه تأمین مالی، نهاد تأمین مالی خُرد است که در چند دهه أخیر در بسیاری از کشورها به‌عنوان راهکاری مناسب جهت افزایش کارآفرینی و اشتغال‌زایی و کمک به رفاه خانوارهای ضعیف و متوسط مطرح‌شده است. نظر به کمبود توسعه ابزارهای مالی تأمین مالی خرد در نظام بانکی ایران متناسب با شرایط گروه‌های کم‌درآمد و متوسط جامعه، ارائه هدفمند این خدمات کمتر به اهداف مدنظر نائل‌آمده است. ازاین‌رو ضرورت طراحی شیوه‌های نوین برای تأمین مالی این دسته از اقشار جامعه که در عین کارآمدی، متناسب با اهداف و کارکردهای بانکداری ایران نیز باشد، شدیداً احساس می‌شود. مقاله حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی- پیمایشی و نقطه نظرات خبرگان تدوین‌شده و ارائه الگویی نوین جهت تأمین مالی خرد در نظام بانکی کشور را نتیجه داده است. الگوی پیشنهادی این پژوهش، مبتنی‌بر جذب سپرده از طریق عقد وکالت خاص و پرداخت تسهیلات از طریق عقود قرض‌الحسنه و مرابحه باهدف تأمین مالی اقشار ضعیف و متوسط جامعه است.

واژگان کلیدی

تأمین مالی خرد؛ تأمین مالی اسلامی؛ عقد مرابحه؛ عقد وکالت؛ عقد قرض‌الحسنه.
طبقه‌بندی JEL: D14, G21, O16.

* استادیار پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)
0000-0003-1512-7322 w.qelich@mbri.ac.ir
** استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
0000-0001-7741-7208 mandanataheri@aut.ac.ir

OPEN ACCESS

مقدمه

تأمین مالی خُرد بانفوذ در صنعت بانکداری، یکی از بسترهای مهم برای اجرای اهداف اجتماعی و اقتصادی است. این حقیقت که امروزه توسعه انسانی و اجتماعی با توسعه اقتصادی درهم‌تنیدگی شدیدی دارد، موجب شده که توجه صنعت بانکی به تأمین مالی خرد، افزون بر به بار نشاندن اثرات مثبت و مفید اجتماعی، اثرات اقتصادی از نوع توسعه و رشد اقتصادی و حتی تحقق شاخص‌های عدالت اقتصادی نیز به همراه داشته باشد. بنابراین چنانچه صنعت بانکی بخواهد افزون‌بر ایجاد اثرات سازنده اجتماعی در جامعه ازجمله کاهش فقر و افزایش احساس خوشبختی، به اشتغال‌زایی و رشد درون‌زای اقتصاد کمک نماید، می‌تواند بر روی طرح‌های تأمین مالی خرد حساب ویژه‌ای بازنماید. همچنین شناسایی و معرفی ابزارهای نوین تأمین مالی در این بخش برای صنعت بانکداری علاوه‌بر اثرات اقتصادی و اجتماعی در افزایش سهم بازار بانک‌ها و اعتماد جامعه به این صنعت نیز مؤثر است.

نظر به اسلامی بودن صنعت بانکداری در ایران، برای استفاده این صنعت از تأمین مالی خرد باید سراغ روش‌های تأمین مالی خرد اسلامی رفت. در سال‌های أخیر، با گسترش مفهوم تأمین مالی خرد، مفهوم تأمین مالی خرد اسلامی بنا به دغدغه‌های یادشده نیز موردتوجه کارشناسان این حوزه قرارگرفته است. با توجه به سطح تأمین مالی خرد در نظام بانکی کشور، طراحی و ترویج ابزارهای جدید بانکی با استفاده از عقود مشروع انتفاعی به‌عنوان یک ضرورت احساس می‌شود.

مقاله حاضر که به روش توصیفی- پیمایشی تهیه‌شده است، سعی دارد الگویی نوین برای تأمین مالی خرد اسلامی در نظام بانکی ایران با استفاده از عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه ارائه نماید. ازاین‌رو سؤال اصلی تحقیق این است که چه الگوی نوینی برای تأمین مالی خرد در نظام بانکی کشور قابل طراحی است؟ در ادامه ابتدا مبانی نظری مقاله و سپس سابقه تحقیق ارائه می‌شود. سپس الگوی پیشنهادی مقاله در دو بخش تجهیز و تخصیص منابع تشریح خواهد شد و نتایج تحقیق به سنجش و تأیید نظرات خبرگان خواهد رسید.

۱. مبانی نظری

تأمین مالی، مدیریت، ایجاد و مطالعه منابع مالی، امور بانکی، اعتبار، سرمایه‌گذاری، دارایی‌ها و بدهی‌ها تحت عنوان سیستم‌های مالی است. به عبارتی تأمین مالی، تحقیق و مطالعه ابزارهای مالی برای تأمین نیازهای مالی است که به سه دسته تأمین مالی عمومی، تأمین مالی شرکتی و تأمین مالی شخصی یا خرد قابل‌تقسیم است.

تأمین مالی خرد یکی از روش‌های تقویت دسترسی گروه‌های پایین درآمدی به خدمات پولی، بانکی و اعتباری است. به عبارتی در حال حاضر یکی از مشکلات عمده جوامع برای پیشرفت و توسعه مسأله فراگیر شدن فقر در جامعه است که از چالش‌های جدی توسعه پایدار اقتصادی است. فقر فقدان تأمین نیازهای اولیه افراد در جامعه است که از روش‌های مطرح در سطح بین‌المللی برای کاهش آن توانمندسازی فقرا از طریق تأمین مالی خرد است.

تأمین مالی خرد یک اصطلاح جامع و چندبعدی است. امروزه در اکثر کشورهای جهان برنامه‌های اعطای اعتبارات خرد راه‌حلی مناسب برای ایجاد فرصت‌های شغلی، مقابله با فقر از راه توانمندسازی افراد کم‌درآمد به‌حساب می‌آید. ظهور تسهیلات خرد در اشتغال‌زایی و فقرزدایی به حدی است که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ میلادی را سال «اعتبار خرد» اعلام کرد تا استفاده از این شیوه در جهان گسترش یابد. همچنین داگلاس[1] اعتبارات خرد را جزئی از چرخه تأمین مالی توسعه روستایی قلمداد می‌کند که تا حدودی با اعتبارات روستایی و کشاورزی دارای اشتراک بوده و از طریق نهادهای مالی و اعتباری همچون بانک‌ها، اتحادیه‌های اعتباری محلی و تعاونی‌ها پرداخت می‌شود (Douglas, 2003, p. 2).

در ادبیات اقتصادی، معیار مشخصی برای تعیین حدواندازه تسهیلات خرد از حیث مبلغ وجود ندارد. در یک تقسیم‌بندی، تسهیلات ۱۰۰ دلار و کمتر در دسته تسهیلات خرد جای دارد که حدود ۶۵ درصد آن به مناطق روستایی و شهرهای کوچک اختصاص می‌یابد (Barometer, 2019, p. 2). همچنین بانک تسویه‌حساب‌های بین‌المللی[2]، از تسهیلات خرد به‌عنوان تسهیلاتی با مبالغ کمتر از یک‌میلیون یورو یاد می‌کند که به صنایع کوچک و متوسط اعطا می‌شود (درگاه بانک تسویه‌حساب‌های

بین‌المللی، ۲۰۲۰). قدرمسلم آن است که صنعت تأمین مالی خرد هم ازلحاظ تعداد مشتریان، هم ازلحاظ تعداد و انواع ارائه‌دهندگان تأمین مالی خرد و هم ازلحاظ روش‌ها و شیوه‌های تأمین مالی خرد، به‌صورت فزاینده‌ای رشد داشته است. در حال حاضر، تمرکز تأمین مالی خرد فقط بر اعطای اعتبار به کسب‌وکارهای خرد نیست. امروز این آگاهی گسترده وجود دارد که این دسته از کسب‌وکارها به خدمات مالی گسترده و متنوعی نیاز دارند. اطلاعات مربوط به تأمین مالی خرد نسبت به دهه‌های گذشته بسیار تغییر کرده است، به‌نحوی‌که موضوع از «اعطای اعتبارات خرد» به «تأمین مالی خرد» منتقل‌شده است (Ledgerwood, 1998, p. 1).

مطابق با تعریف بانک توسعه آسیایی تأمین مالی خرد شامل دامنه وسیعی از خدمات مالی نظیر سپرده، وام، خدمات پرداختی، انتقال پول و بیمه به افراد فقیر و کم‌درآمد و گاهی کارگاه‌های کوچک بوده است. تأمین مالی خرد از حیث جامعه هدف، با تمرکز بر فقرا و افراد کم‌درآمد و کم‌توان است (Robinson, 2001, p. 42)، گرچه قشر متوسط جامعه نیز می‌توانند از این خدمات استفاده نمایند. همچنین زنان سرپرست خانوار هم که عموماً در این دسته قرار می‌گیرند از توابع هدف این نوع تأمین مالی‌ها هستند. از حیث اندازه و میزان، تأمین مالی خرد به مبالغ کوچک و متوسط مرتبط می‌شود؛ از حیث اهداف مواردی همچون ایجاد فعالیت‌های درآمدزا، خوداشتغالی و توانمندسازی افراد در کارآفرینی و کسب درآمد از مهم‌ترین اهداف تأمین مالی خرد به‌حساب می‌آید. همچنین از حیث شرایط و نحوه پرداخت و تخصیص اعتبار و ضمانت وام‌ها، تسهیلات اعطایی عموماً طی فرآیندهای ساده، سریع و انعطاف‌پذیر و با أخذ حداقل ضمانت پرداخت می‌شود. به عبارتی تأمین مالی خرد کوچک، کوتاه و بدون وثیقه است که با توجه به شیوه بانکداری اسلامی در ایران، در این مقاله تأمین مالی خرد اسلامی مدنظر است.

اگر افراد را در یک جامعه از حیث اقتصادی به سه گروه فقیر، متوسط و مرفه تقسیم کنیم؛ براساس ادبیات موجود در زمینه تأمین مالی خرد، گروه هدف اعتبارات خرد نمی‌تواند شامل قشر مرفه جامعه باشد. بر این اساس سایر اقشار جامعه از حیث دریافت اعتبارات خرد خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول کسانی هستند که

توانایی بازپرداخت اصل اعتبارات را ندارند. این گروه از افراد جامعه شامل «فقیرترین فقرا» در سطح جامعه است. شایان‌ذکر است که در جوامع اسلامی بایستی این افراد تحت حمایت قرار بگیرند. گروه دوم کسانی هستند که اصل اعتبارات را می‌توانند بازگردانند ولی قادر به پرداخت سود اعتبارات نیستند؛ این افراد شامل فقرا هستند. گروه سوم کسانی هستند که تنها قادر به بازپرداخت اصل اعتبارات هستند، بلکه قادر به بازپرداخت سود اعتبارات هم هستند ولی معمولاً وثیقه مناسب را ندارند. این افراد شامل دودسته می‌شوند: فقرای فعال اقتصادی و قشر متوسط جامعه. باور بر آن است که تأمین مالی خرد عملاً در مورد گروه دوم و سوم مطرح می‌شود (شهیدی‌نسب، ۱۳۹۳، صص. ۹۸-۹۹). به‌عبارت‌دیگر تفاوت ماهوی تأمین مالی خرد با سایر روش‌های تأمین مالی در جامعه هدف (اقشار ضعیف و متوسط)، اندازه تسهیلات (کوچک و خرد) و سهولت دریافت منابع خلاصه می‌شود.

لازم به اشاره است که بررسی تجارب سایر کشورها در مسأله تقویت عدالت و رضایت اجتماعی به‌خوبی نشان می‌دهد که در چند دهه أخیر تجربه‌ای خوب در حوزه ارائه خدمات مالی به گروه‌های پایین درآمدی، تحت عنوان «تأمین مالی خرد» وجود آمده است (محقق‌نیا و باوفا گلیان، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۰). به‌عنوان نمونه در سه دهه گذشته در بسیاری از کشورها تأمین مالی خرد راهکاری مناسب جهت مقابله با فقر و کاهش نیازمندی خُرد افراد جامعه مطرح‌شده است و علاوه‌بر آن گاهی این روش ابزاری برای کارآفرینی و تولید توسط اقشار کم‌درآمد و متوسط بوده که بر اقتصاد نیز اثرگذار بوده است. در این میان می‌توان به تجربه بانک گرامین[۳] به‌عنوان یکی از پیشگامان این عرصه، بانک راکیات اندونزی[۴] موفق‌ترین بانکدار خُرد سال ۲۰۱۷ میلادی و بانک امانه اختیار مالزی[۵] به‌عنوان برترین مؤسسه اسلامی تأمین مالی خرد طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ میلادی اشاره داشت.

منظور از تأمین مالی خرد اسلامی، عمدتاً این است که راه‌ها و روش‌های تأمین مالی خرد مطابق با اصول و موازین شریعت اسلامی باشند. تأمین مالی خرد اسلامی براساس موازین شرعی، همانند هر نوع تأمین مالی اسلامی دیگر باید از یک‌سری قواعد و ضوابط انطباق با شریعت تبعیت داشته باشد. به‌عنوان نمونه یک مبادله مالی باید

به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فعالیت‌های اقتصادی واقعی متصل باشد؛ تولید یا خدمتی که خرید یا فروخته می‌شود باید برای هر دو طرف آشکار و شفاف و به‌دوراز ابهام و غرر باشد؛ وجوه نباید از فعالیت‌های حرام و گناه مانند تولید مشروبات الکلی یا قماربازی و به‌طورکلی تمام شکل‌های فعالیت اقتصادی که ازلحاظ اخلاقی یا اجتماعی در اسلام ممنوع هستند به‌دست آید، وجوه باید ترجیحاً در تأمین مالی فعالیت پربار ازنظر اجتماعی مصرف شود، مبادله مالی نباید به استثمار (بهره‌برداری) طرف مقابل در مبادله منتهی گردد. بهره ربوی، در اسلام ممنوع است؛ همچنین فروختن آنچه که کسی مالک آن نیست اجازه داده نشده است (احمدخان و عبیداله و خان، ۱۳۹۱، ص. ۱۰).

مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف، منابع مالی خود را عموماً یا از طریق سپرده‌پذیری براساس عقد قرض جمع‌آوری می‌کنند و یا از منابع بیرونی مانند کمک‌های دولتی و یا بین‌المللی استفاده می‌کنند؛ اما در مقابل، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی می‌توانند افزون از استفاده از کمک‌های دولتی و بین‌المللی، از انواع عقود اسلامی (شامل عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه) در جذب سپرده‌ها و تأمین منابع استفاده کنند. به‌بیان‌دیگر، دو رویکرد قابل‌تصور برای تأمین مالی خرد اسلامی عبارت است از رویکرد خیریه‌محور و رویکرد سودمحور. رویکرد نخست همان قرض‌الحسنه و امور خیریه است و در رویکرد دوم می‌توان از انواع عقود اسلامی انتفاعی (مبادله‌ای و مشارکتی) استفاده کرد.

۲. سابقه تحقیق

درودی، آب‌چر و جوان (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش تسهیلات خرد پست‌بانک در توسعه اقتصادی مناطق روستایی شهرستان زنجان»، به این نتیجه رسیدند که تسهیلات خرد، خصوصاً در جوامع روستایی به افزایش درآمد، کاهش مهاجرت، ایجاد اشتغال و بهبود وضعیت مسکن منتهی شده است و می‌تواند برای مصرف‌کنندگان جهت خرید کالا و خدمات و افزایش سطح رفاه خانوارها حائز اهمیت باشد.

سیفی‌پور، امین‌رشتی و نوابی‌زند (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آثار سیاست اعتباری خرد بر شاخص توزیعی درآمد به تفکیک استان‌های کشور»، نشان دادند در اقتصاد ایران سیاست‌های اعتباری خرد در استان‌های با درآمد سرانه بالای خانوار، منجر به نابرابری توزیع درآمد می‌شود، اما اجرای این سیاست در استان‌های با درآمد سرانه خانوار پایین منجر به بهبود توزیع درآمد شده است. براساس این مطالعات، توسعه‌نیافتگی بازار پولی اقتصاد ایران از جنبه‌های تأمین منابع اعتبارات، فرآیند اعطای اعتبارات به لحاظ انتخاب طرح‌های اقتصادی و نظارت بر مصرف اعتبارات، موجب شده اعطای اعتبارات اثر مطلوب و کافی بر توزیع درآمد نداشته باشد. استان‌های با درآمد پایین دارای ظرفیت‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌های خرد در حوزه‌هایی مانند صنایع‌دستی، کشاورزی، دام‌پروری و... هستند. از سوی دیگر در شاخه صنعت ایجاد کارگاه‌های کوچک نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه محدودتری نسبت به کلان‌شهرهای با درآمد بالا دارند. ازاین‌جهت اعطای اعتبارات در این حوزه‌ها، تولید و اشتغال و توزیع درآمد را سبب بهبود می‌بخشد. در مقابل در استان‌های با درآمد بالا ازیک‌طرف فرصت سرمایه‌گذاری‌های کوچک محدود است و از طرف دیگر سرمایه‌گذاری اولیه برای ایجاد کارگاه صنعتی بیشتر است.

شهیدی‌نسب، موسویان و فراهانی‌فرد (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مهندسی مالی عقود در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران»، با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی و تحلیل آماری با توجه به تجارب بانکداری اسلامی و نیز عقود اسلامی اقدام به مهندسی مالی شیوه‌های تأمین مالی خرد اسلامی در کشور کرده‌اند. بر پایه دستاوردهای این تحقیق، قرض‌الحسنه، عقود مبادله‌ای (مرابحه، اجاره، استصناع) و مشارکت اولویت‌های تأمین مالی خرد برای خانوارها و مشارکت، مرابحه، اجاره اولویت‌های نخست برای تأمین مالی خرد صنایع خرد و متوسط محسوب می‌شوند.

محقق‌نیا و باوفا گلیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران»، در تحقیق خود با کمک پرسشنامه دلفی سه‌بعدی به شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران پرداخته‌اند. در بخش تجهیز، سپرده‌ها شامل سپرده‌های قرض‌الحسنه، هبه، وکالت خاص- گروهی و سپرده مسدودی (پس‌انداز)

است. در بخش تخصیص، تسهیلات به دودسته عمده تسهیلات مصرفی (عادی و اضطراری) و تسهیلات تولیدی تقسیم‌شده‌اند. بنگاه‌های فعال در بازار تأمین مالی خرد به دودسته عمده بانک‌ها (تجاری و هلدینگ) و مؤسسات مالی (انتفاعی و غیرانتفاعی) تقسیم‌شده‌اند. استفاده از مسئولیت مشترک به‌عنوان وثیقه و نیز استفاده از روش وام‌دهی ترکیبی گروهی- انفرادی به‌طور قوی مورد تأکید قرارگرفته است. در بعد اجرایی، سامانه‌های الکترونیکی، بسترسازی و تفکیک گزارش‌دهی براساس نوع تسهیلات و نوع عقود مورداستفاده مدنظر بوده است.

ابراهیمی و باغستانی میبدی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض‌الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد»، پس از معرفی تأمین مالی خرد در بانک تجاری به چالش‌های آن پرداخته و سپس در قالب نهادهای قرض‌الحسنه به بحث تأمین مالی خرد پرداخته‌اند. در نظر ایشان تأمین مالی خرد در قالب نهاد قرض‌الحسنه می‌تواند برخی چالش‌هایی که در قالب بانک‌های تجاری وجود دارد را برطرف کند و ازاین‌رو می‌تواند ساختار مطلوب‌تری برای تأمین مالی خرد باشد.

ویسوانچ[۶] (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «اعتبارات خرد و شرکت‌های خرد بقا: نقش ساختار بازار بین‌المللی»، به بررسی اثر ساختار بازار در تأمین مالی خرد و حفظ شرکت‌های کوچک و متوسط پرداخته است. در این مقاله با تأکید بر مسأله فقر به‌خصوص در کشورهای قاره آفریقا، تأمین مالی خرد به‌عنوان ابزاری برای حل مشکل فقر در این کشورها معرفی و علاوه‌بر آن تأمین مالی خرد را ابزاری برای حفظ شرکت‌های کوچک و متوسط که خود به بالندگی اقتصاد در این کشورها کمک می‌کند، معرفی‌شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که زیرساخت‌های بازار مالی در کشورهایی آفریقایی به رشد و توسعه تأمین مالی خرد در این کشورها کمک نموده است و فراهم بودن زیرساخت‌های لازم و ابزارهای مطلوب برای تأمین مالی خرد، بر عرضه و تقاضای محصولات و خدمات و ذخیره مطالبات غیرجاری نیز اثرگذار بوده است.

زانگ[۷] (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «آیا تأمین مالی خرد فقر را کاهش می‌دهد؟ برخی شواهد بین‌المللی»، با طرح این سؤال که آیا تأمین مالی خرد بر کاهش فقر

اثرگذار است یا خیر، به بررسی داده‌های تابلویی ۱۰۶ کشور و برای دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ پرداخته و نشان می‌دهد تأمین مالی خرد بر کاهش فقر اثرگذار است. علاوه‌بر آن در این بررسی با انتخاب پراکسی‌های متنوع برای اندازه‌گیری فقر و تأمین مالی خرد دریافتند که کشورهایی با اقتصاد نوظهور و درحال‌توسعه به ابزارها و زیرساخت‌های مطلوب برای رشد تأمین مالی خرد در بازارهای مالی خود نیاز دارند.

مریدان و ابراهیم[۸] (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی خرد برای شرکت‌های خرد در مالزی»، با تأکید بر چارچوب تأمین مالی خرد در کشور مالزی که از سال ۲۰۰۶ معرفی‌شده است، به بررسی اثر تأمین مالی خرد بر شرکت‌های کوچک و متوسط در کشور مالزی پرداخته‌اند. چارچوب تأمین مالی خرد در این کشور از سه استراتژی متنوع برای تأمین مالی خرد استفاده می‌کند که نتایج بررسی این چارچوب نشان می‌دهد که شبکه بانکی همچنان نقش اصلی در تأمین مالی خرد را در کشور مالزی می‌تواند داشته باشد.

مرداک[۹] (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «چگونه تأمین مالی خرد واقعاً کار می‌کند»، بیان دارد که تأمین مالی خرد با تغییر فضای کسب‌وکار و تأمین سرمایه موردنیاز برای فقرا مطرح شد که مشکلات آن همچون عدم تقارن اطلاعاتی، وثیقه و ضمانت و... با ارائه ابزارهای خلاقانه همچون مشارکت گروهی یا تأمین سرمایه اجتماعی حل گردید. او با بررسی نحوه عمل تأمین مالی خرد طی دهه‌های گذشته و با تأکید بر تأمین مالی کسب‌وکارهای خانگی بخصوص در گروه زنان، تأمین مالی خرد را ابزاری برای حل مسأله فقر معرفی می‌کند.

ون‌روین، استوارت و دی‌وت[۱۰] (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر تأمین مالی خرد در جنوب صحرای آفریقا: بررسی سیستماتیک شواهد»، به بررسی جامعی بر تحقیقات صورت گرفته در حوزه اثر تأمین مالی خرد در صحرای آفریقا پرداخته‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات با تأکید بر تأمین مالی خرد در مناطق روستایی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های کوچک و متوسط در چنین محیط‌های کسب‌وکاری تداوم فعالیت داشته، اما به دلیل ضعف‌های موجود در زیرساخت‌ها، تأمین مالی خرد آن‌طور که انتظار می‌رود و مطلوب است در این نواحی

طرفدار و خواهان ندارد و تأمین مالی خرد به‌طور متوسط اثر مثبتی در تأمین سرمایه نداشته است.

حدیثومارتو و اسماعیل[11] (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «بهبود اثربخشی تأمین مالی خرد اسلامی: یادگیری از تجربه BMT» چگونگی بهبود تأمین مالی خرد اسلامی در کشور اندونزی را بررسی نموده‌اند. این بررسی براساس تغییر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط طی دوره موردبررسی انجام‌شده که نتایج آن نشان می‌دهد که تأمین مالی خرد با کنترل متغیّرهایی همچون کنترل کسب‌وکار، حساسیت سیستم، روابط خوب در کشورهای درحال‌توسعه غالباً توسط شرکت‌های کوچک به‌عنوان ابزار تأمین مالی در مقایسه با سایر ابزارها انتخاب می‌شود، اما همچنان کشورهای درحال‌توسعه نیازمند توسعه زیرساخت‌ها و نوآوری‌ها در حوزه تأمین مالی خرد اسلامی هستند.

با توجه به سوابق پژوهش و برنامه‌های اجرایی در نظام بانکی کشور می‌توان چنین برداشت نمود که به علت کمبود توسعه ابزارهای مالی تأمین مالی خرد در نظام بانکی ایران متناسب با شرایط گروه‌های کم‌درآمد و متوسط جامعه، ارائه هدفمند این خدمات کمتر به اهداف مدنظر نائل‌آمده است. ازاین‌رو ضرورت طراحی شیوه‌های نوین برای تأمین مالی این دسته از اقشار جامعه که در عین کارآمدی، متناسب با اهداف و کارکردهای بانکداری ایران نیز باشد، شدیداً احساس می‌شود. این مقاله با به‌کارگیری روش تحقیق توصیفی- پیمایشی و استفاده از نقطه‌نظرات خبرگان با تأکید بر دو عقد اسلامی وکالت و مرابحه، به طراحی و ارائه الگویی نوین جهت تأمین مالی خرد در نظام بانکی کشور اقدام نموده است. الگوی مطرح‌شده در این تحقیق الگویی جدید است که سابقه‌ای برای آن در سوابق پژوهش یافت نشده است. همچنین این الگوی نوین، صرفاً محدود به بخش توزیع و تخصیص منابع نیست و از حیث تأمین و تجهیز منابع نیز دارای نوآوری و پیشنهادات تکمیلی است.

۳. معرفی الگوی پیشنهادی

۳-۱. تجهیز منابع

در الگوی پیشنهادی[۱۲]، تجهیز منابع در قالب سپرده‌های امتیازی «وکالت در قرض‌الحسنه و مرابحه» تعریف می‌شود. بر این اساس، بانک با استفاده از ویژگی‌های عقد وکالت خاص[۱۳]، منابع سپرده‌گذاران را باهدف انعقاد قرارداد تسهیلات قرض‌الحسنه و مرابحه با تسهیلات‌گیرندگان تجهیز می‌کند. در این حالت در سمت تجهیز منابع، بانک در جایگاه وکیل و سپرده‌گذاران در جایگاه موکل قرار خواهند داشت. بانک به وکالت از سپرده‌گذاران وظیفه دارد منابع تجهیز شده را در راستای تأمین مالی خرد اسلامی صرفاً از طریق عقد قرض‌الحسنه و مرابحه به متقاضیان تخصیص دهد.

تجهیز منابع در این الگو براساس «سپرده‌های امتیازی» است. سپرده‌های امتیازی، نوعی سپرده است که در آن تعدادی از افراد متقاضی دریافت تسهیلات، در گام نخست، وجوهی را به‌نحو تدریجی در اختیار یک مؤسسه سپرده‌پذیر همچون بانک قرار می‌دهند. این نهاد مالی با وجوه جمع‌آوری‌شده و با لحاظ مبلغ و مدت سپرده‌گذاری هریک از سپرده‌گذاران به اعطای تسهیلات به آنها می‌پردازد؛ این سپرده به‌نحوی برنامه‌ریزی می‌شود که تمامی سپرده‌گذاران قادر باشند به تدریج و براساس قواعد از پیش مشخص‌شده با توجه به میزان امتیازی که از آن خودکرده‌اند از تسهیلات برخوردار شوند.

با توجه به آنکه منابع بانک‌ها جهت تأمین مالی محدود و متقاضیان أخذ تسهیلات به‌صورت عمومی زیاد هستند، لذا به‌منظور استفاده بهینه از منابع و پاسخ‌گویی مناسب به متقاضیان اعطای حق تقدم و امتیاز به صاحبان حساب نزد این بانک برای استفاده از اولویت در دریافت تسهیلات فراهم می‌شود.

در الگوی پیشنهادی، بانک با انباشت سپرده‌های خرد از سوی گروهی از مشتریان، برای ایشان (متناسب با مدت و مبلغ سپرده‌گذاری) امتیاز دریافت تسهیلات (نوع اول) درنظر می‌گیرد. در این سازوکار، سپرده‌گذاران از یک‌سو می‌توانند با سپرده‌گذاری منابع خرد خود به نحو تدریجی، امکان پرداخت تسهیلات خرد به نیازمندان را فراهم سازند

و از طرف دیگر، در دوره زمانی مشخصی در آینده، با کسب امتیاز لازم، خود نیز از تسهیلات بانک برخوردار شوند.

در خصوص سود این دسته از سپرده‌های وکالتی، ازآنجاکه یکی از پایه‌های این نوع تجهیز منابع، عقد مرابحه است و عقد مرابحه از عقود انتفاعی و سود ده است ایجاد سود برای سپرده‌گذاران قابل‌تصور است؛ در این الگو صندوقی تحت عنوان «صندوق آینده» برای تأمین مالی خرد در بانک تأسیس می‌شود. سپرده‌گذاران در هنگام افتتاح حساب به بانک وکالت می‌دهند که علاوه‌بر پرداخت منابع تجهیز شده در مسیر تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای و مرابحه‌ای، سودبخش مرابحه‌ای آن را نیز به وکالت از سپرده‌گذاران به صندوق مذکور واریز نماید تا از منابع جمع‌آوری‌شده در این صندوق برای اعطای تسهیلات بیشتر در «آینده» استفاده شود. ازاین‌رو سپرده‌گذاران، با کسب امتیاز لازم (برحسب مبلغ و مدت‌زمان سپرده‌گذاری) صرفاً امتیاز دریافت تسهیلات را أخذ کرده و سود نقدی خود را به صندوق هبه می‌نمایند. هدف از ایجاد «صندوق آینده» استقلال تدریجی سازوکار تأمین مالی و منابع تسهیلات در آینده است.

۳-۲. تخصیص منابع

آن‌گونه که پیش‌ازاین اشاره شد، هدف از الگوی پیشنهادی جهت اعطای تسهیلات به متقاضیان، تأمین مالی خرد اسلامی است. ازاین‌رو با توجه به ادبیات موجود در باب شیوه‌های تأمین مالی خرد، مبلغ تسهیلات مدنظر مبلغی کوچک و دوره بازپرداخت آن کوتاه‌مدت است.

در این الگو، پرداخت دو نوع تسهیلات «قرض‌الحسنه» و «مرابحه» بنا به تنوع متقاضیان پیش‌بینی می‌شود. منابع تخصیصی در هر دودسته از تسهیلات، غیر از منابع مشاعی خود بانک، از محل سپرده‌های امتیازی، منابع «صندوق آینده» و بعضاً از محل سپرده‌های سپرده‌گذارانی که تمایلی به دریافت تسهیلات ندارند و فقط صرفاً باهدف مشارکت در کار خیر در بانک سپرده‌گذاری می‌نمایند، تأمین می‌شود[۱۴].

۳-۲-۱. تسهیلات دسته اول (تسهیلات قرض‌الحسنه)

تسهیلات دسته اول، مخصوص سپرده‌گذاران این طرح، مبتنی‌بر عقد قرض‌الحسنه، بدون سود تسهیلات، برحسب امتیاز أخذ شده توسط سپرده‌گذاران و با کارمزد ۴ درصدی[۱۵] است.

در این تسهیلات مدت سپرده‌گذاری، میزان تسهیلات دریافتنی و تعداد و مدت اقساط بازپرداخت تسهیلات کاملاً متنوع است. نحوه اعطای تسهیلات در قالب تسهیلات امتیازی وابسته به میزان امتیاز ذخیره‌شده سپرده‌گذاران است. این امتیاز از ترکیب مدت‌زمان و میزان مبلغ سپرده‌گذاری ایجاد می‌شود. همچنین در این راستا بانک می‌تواند مبادرت به تنظیم ضرایب امتیازی با توجه به مدت بازپرداخت اقساط نیز نماید. نفع این الگو برای اقشار ضعیف و متوسط در این است که این افراد با سپرده‌گذاری حداقل منابع خود می‌توانند منابع بیشتری به‌نحو قرض‌الحسنه دریافت نمایند. بدیهی است با توجه به خرد بودن میزان تسهیلات، ورود به این سازوکار برای غیر جامعه هدف (اقشار مرفه و غیرنیازمند) عملاً انگیزه و صرفه اقتصادی چندانی به همراه ندارد. همچنین با توجه به اینکه سقف تسهیلات فراتر از مانده‌حساب سپرده‌گذاران است، طبیعتاً برای تأمین منابع این دسته از تسهیلات نیاز به منابع مازادی وجود دارد که در بخش بعد به آن اشاره می‌شود.

۳-۲-۲. تسهیلات دسته دوم (تسهیلات مرابحه)

ممکن است افراد نیازمند بدون امکان و یا تمایل به سپرده‌گذاری امتیازی، خواهان دریافت تسهیلات باشند. تسهیلات دسته دوم مخصوص این افراد (غیر سپرده‌گذار)، مبتنی‌بر عقد مرابحه و با سود تسهیلات است. تفاوت اصلی این دسته از تسهیلات با تسهیلات نوع اول، در عقد پایه تسهیلات، عدم الزام به سپرده‌گذاری توسط تسهیلات‌گیرنده و در عوض پرداخت سود تسهیلات مرابحه است.

نرخ سود این تسهیلات معادل ۲۰ درصد[۱۶] است که به سپرده‌گذاران (با فرض عدم استفاده از منابع خود بانک) تعلق دارد. بانک می‌تواند از این سود، ۴ واحد درصد را به‌عنوان حق‌الوکاله خود کسر نماید و ۱۶ درصد باقیمانده به «صندوق آینده» جهت

پرداخت بهتر و بیشتر به نیازمندان در دوره‌های آتی واریز می‌شود. به‌عبارتی سپرده‌گذاران به بانک برای جمع‌آوری این منابع در صندوق، وکالت داده تا بانک از طرف آنها مجدداً این منابع را در قالب تسهیلات به افراد نیازمند اعطا نماید.

با قرار گرفتن متقاضیان تسهیلات در هریک از طبقات خاص جامعه این امکان وجود دارد که ایشان سود ترجیحی کمتری نسبت به ۲۰ درصد (تا کف ۴ درصد) پرداخت کنند. البته جواز این برخورد با منابع سپرده‌گذاران در هنگام انعقاد عقد وکالت و سپرده‌پذیری از سپرده‌گذار أخذ می‌شود. به‌عنوان‌مثال زنان سرپرست خانوار با ارائه مدارک و معرفی‌نامه معتبر می‌توانند در شاخه تسهیلات غیرامتیازی از تسهیلات مرابحه‌ای با نرخ مثلاً ۱۰ درصد برخوردار شوند. یا چنانچه افرادی در مناطق محروم و دورافتاده زندگی می‌کنند امکان استفاده از این نوع تسهیلات را با نرخ ترجیحی مثلاً ۸ درصد دارا هستند. همچنین چنانچه متقاضیان تسهیلات غیرامتیازی، برای راه‌اندازی کسب‌وکار کوچک و متوسط و خوداشتغالی نیازمند منابع مالی باشند با ارائه مدارک و اسناد مثبته امکان دریافت تسهیلات مرابحه‌ای با نرخ ترجیحی مثلاً ۱۲درصد را دارا می‌باشند. تعیین طبقات نیازمندی و نرخ سود برای گروه‌های خاصِ نیازمند، به صلاحدید بانک قابل‌تغییر است. قدر مسلم آن است که ۴ درصد از سود تسهیلات به‌عنوان حق‌الوکاله به بانک پرداخت‌شده و مابقی به صندوق جهت پرداخت تسهیلات بیشتر در دوره‌های آتی واریز می‌شود. در این الگو، افرادی که در هیچ طبقه‌ای همانند طبقات فوق قرار نمی‌گیرند موظف به پرداخت کل سود که همان ۲۰ درصد است، خواهند بود.

۴. نگاهی به الگوی پیشنهادی از منظر فقهی

در الگوی پیشنهادی در سمت سپرده‌پذیری از عقد وکالت برای مرابحه و قرض‌الحسنه استفاده می‌شود. وکالت و قرض‌الحسنه ازجمله عقود مشروع و پرکاربرد در نظام مالی و بانکداری اسلامی هستند. مرابحه نیز بیعی است که در آن فروشنده قیمت خرید کالا، هزینه‌های مربوط به آن و مقدار سودی را که برای خود در نظر می‌گیرد را به اطلاع مشتری برساند. این عقد یکی از عقود پرکاربرد در بانکداری اسلامی است که به دلیل

سادگی در بسیاری از بانک‌های اسلامی جهان مورداستفاده فراوان قرار دارد. به‌نحوی‌که در برخی از بانک‌ها حدود ۹۵ درصد تسهیلات اعطایی صرفاً براساس عقد مرابحه به متقاضیان پرداخت می‌شود. از منظر فقهی پرداخت سود در عقود مرابحه‌ای کاملاً مشروع و قانونی است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵، ص. ۸۱).

در سمت تسهیلات‌دهی از دودسته تسهیلات امتیازی قرض‌الحسنه‌ای (دسته اول) و غیرامتیازی مرابحه‌ای (دسته دوم) استفاده می‌شود. یکی از شبهات مطرح پیرامون تسهیلات قرض‌الحسنه امتیازی متداول در نظام بانکی کشور، بحث مازاد پرداختی به سپرده‌گذاران است که طبق آن اعطای تسهیلات، مصداق زیاده حکمی یافته و شبهه‌ناک می‌شود[۱۷]؛ البته با غیرمشروط خواندن پرداخت تسهیلات و به‌نوعی با خروج تسهیلات از ذیل قالب ربویِ «پرداخت مازاد مشروط در قرض‌الحسنه» می‌توان به این شبهه، پاسخ داد.

در خصوص میزان و اندازه سود نیز شرع این اجازه را داده است که درصد به توافق طرفین به‌نحو مبلغ یا درصد تعیین شود. همچنین به اعتقاد فقهای معاصر هم کالاها و هم خدمات می‌تواند مشمول عقد مرابحه باشد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵، ص. ۸۱). به‌عبارتی هیچ اجباری وجود ندارد که نرخ سود مرابحه عدد خاصی باشد. با توجه به آنکه الگوی پیشنهادی مرتبط با تأمین مالی خرد و حمایت از اقشار ضعیف و متوسط جامعه است، این امکان وجود دارد که در بخش تسهیلات مرابحه‌ای، سود پایین (نسبت به سایر تسهیلات اعطایی نظام بانکی) تعیین شود[۱۸]؛ در مقابل در وکالت خاص برای مرابحه در بخش تجهیز منابع نیز این توافق بر سود پایین‌تر قابل‌اجرا است و منع شرعی ندارد.

در خصوص هبه سود نیز باید عنوان کرد که سود دریافتی از تسهیلات‌گیرندگان در تسهیلات دسته دوم (مرابحه‌ای) پس از کسر حق‌الوکاله متعلق به سپرده‌گذاران است. در این مرحله بانک به وکالت و با اجازه از آنان، این مبالغ را در «صندوق آینده» جهت اعطای تسهیلات خرد و انجام امور خداپسندانه واریز می‌کند و از این حیث نیز بنا به قاعده فقهی تسلط، سپرده‌گذاران اجازه هبه کردن سود خود به «صندوق آینده» را دارند و منع شرعی برای آن متصور نیست.

۵. ارزیابی الگوی پیشنهادی از منظر خبرگان

الگوی پیشنهادی تأمین مالی خرد با استفاده از عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه با لحاظ جزئیات تجهیز منابع (سپرده‌های امتیازی وکالت) و تخصیص منابع در دو شاخه تسهیلات دسته اول و دوم ارائه گردید. در ادامه ابتدا مؤلفه‌های مقبولیت الگوی پیشنهادی از سه منظر «نظام مالی اسلامی»، «جامعه» و «بانک» طرح شده و در ادامه براساس دیدگاه خبرگان و با استفاده از روش مقایسه میانگین چند جامعه (ANOVA) این مؤلفه‌ها موردسنجش قرار خواهد گرفت. خبرگان تحقیق از بین کارشناسان و اساتید حوزه بانکداری، مالی اسلامی و بانکداری اسلامی از محافل دانشگاهی و پژوهشی که نسبت به این حوزه دارای مطالعات مشابه بوده‌اند انتخاب شده است.

۵-۱. مؤلفه‌های مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر «نظام مالی اسلامی»[۱۹]

- استفاده از عقود انتفاعی در الگوی پیشنهادی، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست.
- تجهیز منابع در الگوی پیشنهادی با استفاده از عقد وکالت خاص، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست.
- تخصیص منابع در الگوی پیشنهادی با استفاده از عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست.
- انتقال سود حاصل از تسهیلات مرابحه‌ای به «صندوق آینده» در قالب هبه سپرده‌گذاران، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست.
- درمجموع کلیت الگوی پیشنهادی، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست.

۵-۲. مؤلفه‌های مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر جامعه

- الگوی پیشنهادی در راستای ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی بانکداری (بانکداری اخلاقی) است.
- در یک نگاه جمعی (از حیث اقتصادی، اجتماعی و...)، منافع و مزایای اجرای الگوی پیشنهادی از مجموع هزینه‌های آن برای جامعه بیشتر است.

- اجرای الگوی پیشنهادی موجب افزایش منفعت و رفاه طبقه نیازمند جامعه می‌شود.
- اجرای الگوی پیشنهادی موجب استفاده بیشتر و گسترده‌تر از نظام تأمین مالی خرد در کشور می‌شود.
- اجرای الگوی پیشنهادی موجب تقویت همکاری اطلاعاتی و سازمانی نهادهای مرتبط با تأمین اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود.

۵-۳. مؤلفه‌های مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر بانک

- الگوی فعلی تسهیلات امتیازی قرض‌الحسنه در برخی از بانک‌های ایران، مانع استقبال مشتریان از این الگوی پیشنهادی می‌شود.
- الگوی پیشنهادی مورد استقبال بانک‌های علاقه‌مند به الگوهای تأمین مالی خرد قرار خواهد گرفت.
- مجموع ریسک‌های «بانک عامل» با اجرای الگوی پیشنهادی افزایش نمی‌یابد.
- الگوی پیشنهادی موجب وارد شدن شوک منفی به جریان کلی سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری در کشور نمی‌شود.
- در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، شهرت و اعتبار «بانک عامل» از حیث برندسازی و جذب و بقای مشتری افزایش می‌یابد.
- در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، شهرت و اعتبار «بانک عامل» از حیث رعایت بهتر موازین شریعت و بانکداری اسلامی افزایش می‌یابد.
- در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، کارآمدی و سودآوری «بانک عامل» از حیث اقتصادی و مالی افزایش می‌یابد.
- درمجموع کلیت الگوی پیشنهادی، برای بانک‌های علاقه‌مند به الگوهای تأمین مالی خرد، مناسب است.

مؤلفه‌های مقبولیت الگوی پیشنهادی توسط دو گروه از خبرگان شامل خبرگان حوزه بانکداری و مالی اسلامی و خبرگان بانکداری و با استفاده از روش مقایسه

میانگین چند جامعه (ANOVA) موردبررسی قرار گرفت. آزمون مقایسه میانگین چند جامعه اختلاف بین چند جامعه آماری را ارزیابی می‌کند و جایگزین دقیق و مناسب‌تری در مقایسه با روش‌های آزمون آماره تی، برای آزمون فروض مسأله است. به‌عبارتی، تحت این روش و با توجه به پراکندگی کل داده‌ها، تجزیه واریانس بین گروه‌های مختلف امکان‌پذیر است و علاوه‌بر آن با توجه به خروجی‌های ناشی از آزمون‌های پس‌رویدادی که در این روش انجام می‌شود، امکان تحلیل اختلاف بین گروه‌های هدف در مسأله برای محقق امکان‌پذیر می‌شود و تفسیر کامل‌تری از نتایج می‌توان ارائه نمود. همچنین، با تجزیه واریانس کل به واریانس مدل و واریانس خطا تشخیص مناسب بودن مدل نیز قابل ارزیابی است. بر این اساس، در این بررسی فرضیه‌های زیر آزمون شدند.

- ✓ **فرضیه اول**: تفاوتی بین مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر نظام مالی اسلامی بین دو گروه خبره شامل حوزه بانکداری و مالی اسلامی و حوزه بانکداری وجود ندارد.
- ✓ **فرضیه دوم**: تفاوتی بین مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر جامعه بین دو گروه خبره شامل حوزه بانکداری و مالی اسلامی و حوزه بانکداری وجود ندارد.
- ✓ **فرضیه سوم**: تفاوتی بین مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر بانکداری بین دو گروه خبره شامل حوزه بانکداری و مالی اسلامی و حوزه بانکداری وجود ندارد.

۶. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق براساس ماهیت آن توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری موردمطالعه در این پژوهش افراد خبره حوزه بانکداری و مالی و اسلامی و حوزه بانکداری هستند. با توجه به حجم بالای جامعه آماری، با استفاده از نمونه‌گیری نتایج مقاله بررسی و تحلیل‌شده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و در انتخاب نمونه سلیقه شخصی دخیل نبوده است که امکان تعمیم نتایج را می‌دهد. پرسشنامه تحقیق نیز مبتنی‌بر بررسی

ادبیات پژوهشی پیرامون موضوع و ساخت الگوی پیشنهادی شرح داده شده در تحقیق طراحی شده است. سؤال اصلی این پژوهش به این شرح است که «آیا الگوی پیشنهادی این پژوهش از منظر نظام مالی اسلامی، جامعه و بانک مقبولیت لازم را دارد؟» برای این منظور خبرگان پاسخ‌دهنده به این سؤال به دو گروه خبرگان بانکداری و نظام مالی اسلامی و خبرگان بانکداری تقسیم و پرسشنامه بین خبرگان بانکداری و مالی اسلامی و خبرگان بانکداری توزیع گردید که از این تعداد ۸۰ پرسشنامه پاسخ و برگشت داده شد و در تحلیل و بررسی نتایج مورداستفاده قرار گرفت. برای آزمون روایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن با آزمون ۱۸ پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS برابر با ۸۵٫۸ درصد بوده است که حاکی از قابل قبول بودن روایی پرسشنامه است.

۶-۱. تفسیر نتایج

آمار توصیفی نمونه موردبررسی به شرح جدول (۱) است. همان‌طور که آماره‌ها نشان می‌دهند مردان، افراد باسابقه کاری بین ۵ تا ۱۰ سال، تحصیلات دکتری بیشترین افراد در نمونه‌های موردبررسی بودند. همچنین براساس بررسی اطلاعات عمومی، خبرگان خود مشتری بانک بابت تسهیلات قرض‌الحسنه، مرابحه و سایر تسهیلات خرد بوده‌اند.

جدول (۱): آمار توصیفی اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان (درصد)

جنسیت	
مرد	۷۳٫۷
زن	۲۶٫۲
سابقه کار	
زیر ۵ سال	۸٫۷
۵ تا ۱۰ سال	۵۶٫۲
۱۰ سال و بالاتر	۳۶٫۲
تحصیلات	
کارشناسی ارشد و پایین‌تر	۲۶٫۲
دکتری	۷۳٫۷
نوع تسهیلات گرفته‌شده از بانک	

تسهیلات قرض‌الحسنه	۳۲,۵
تسهیلات مرابحه	۲۳,۷
سایر تسهیلات خرد	۲۶,۲
همه موارد	۱۷,۵

منبع: یافته‌های تحقیق

۶-۲. تحلیل واریانس

برای تحلیل داده‌ها، فرضیه‌های پژوهش با توجه به دسته‌بندی خبرگان در دو گروه خبرگان حوزه بانکداری و مالی اسلامی و خبرگان بانکداری و با استفاده از آزمون مقایسه میانگین چند گروه با یکدیگر مقایسه و تحلیل شده‌اند. فرض صفر در آزمون مقایسه میانگین چند گروه عبارت‌اند از:

رابطه (۱): $H_0 =$ تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود ندارد

رابطه (۲): $H_1 =$ تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد

۶-۲-۱. بررسی مقبولیت الگو از منظر نظام مالی اسلامی

برای بررسی مقبولیت الگوی پیشنهادی تحقیق از منظر نظام مالی اسلامی فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجراشده است.

- ✓ **فرضیه اول**: تفاوتی بین مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر نظام مالی اسلامی بین دو گروه خبره شامل حوزه بانکداری و مالی اسلامی و حوزه بانکداری وجود ندارد.

جدول (۲): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر		مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین‌گروهی	۲۲,۰۲	۱	۲۲,۰۲	۵۴,۵۸	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۱,۴۶	۷۸	۰,۴۰	--	--

متغیّر		مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
	جمع	۵۳,۴۸	۷۹	--	--	--
عامل دوم	بین‌گروهی	۱۹,۴۸	۱	۱۹,۴۸	۳۹,۷۹	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۸,۲۰	۷۸	۰,۴۹	--	--
	جمع	۵۷,۶۸	۷۹	--	--	--
عامل سوم	بین‌گروهی	۱۶,۲۹	۱	۱۶,۲۹	۱۶,۸۹	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۷۵,۲۵	۷۸	۰,۹۶	--	--
	جمع	۹۱,۵۵	۷۹	--	--	--
عامل چهارم	بین‌گروهی	۹,۶۲	۱	۹,۶۲	۱۷,۱۲	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۴۳,۸۵	۷۸	۰,۵۶	--	--
	جمع	۵۳,۴۸	۷۹	--	--	--
عامل پنجم	بین‌گروهی	۲۴,۷۱	۱	۲۴,۷۱	۳۱,۲۴	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۶۱,۶۷	۷۸	۰,۷۹	--	--
	جمع	۸۶,۳۸	۷۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی مقبولیت الگو از منظر نظام مالی اسلامی، فرض صفر برای هر ۵ عامل معرف مقبولیت از منظر نظام مالی اسلامی در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد. به‌عبارتی میانگین هر عامل در گروه‌های بانکداری و مالی اسلامی و بانکداری متفاوت است. برای تحلیل این تفاوت آزمون مقایسه میانگین دو جامعه انجام شد و براساس تحلیل حد بالا و پایین خروجی‌های نرم‌افزار دریافتیم که از نگاه خبرگان بانکداری و مالی اسلامی استفاده از عقود انتفاعی

در الگوی پیشنهادی، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست؛ تجهیز منابع در الگوی پیشنهادی با استفاده از عقد وکالت خاص، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست؛ تخصیص منابع در این الگو پیشنهادی با استفاده از عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست؛ انتقال سود حاصل از تسهیلات مرابحه‌ای به «صندوق آینده» در قالب هبه سپرده‌گذاران، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست و درنهایت از نگاه خبرگان بانکداری و مالی اسلامی کلیت الگوی پیشنهادی، مخالف قواعد و موازین «نظام مالی اسلامی» نیست و این در حالی است که از نگاه خبرگان بانکداری، الگو دقیقاً با قواعد و موازین اسلامی تطبیق ندارد.

۶-۲-۲. بررسی مقبولیت الگو از منظر جامعه

برای بررسی مقبولیت الگو از منظر جامعه فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.

- ✓ **فرضیه دوم**: تفاوتی بین مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر جامعه بین دو گروه خبره شامل حوزه بانکداری و مالی اسلامی و حوزه بانکداری وجود ندارد.

جدول (۳): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر		مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین‌گروهی	۱۱,۴۳	۱	۱۱,۴۳	۲۷,۰۵	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۲,۹۵	۷۸	۰,۴۲	--	--
	جمع	۴۴,۳۸	۷۹	--	--	--
عامل دوم	بین‌گروهی	۱,۲۳	۱	۱,۲۳	۳,۲۹	۰,۰۷۳
	درون گروهی	۲۹,۱۵	۷۸	۰,۳۷	--	--

متغیّر		مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
	جمع	۳۰,۳۸	۷۹	--	--	--
عامل سوم	بین‌گروهی	۶,۸۹	۱	۶,۸۹	۱۴,۶۱	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۳۶,۷۹	۷۸	۰,۴۷	--	--
	جمع	۴۳,۶۸	۷۹	--	--	--
عامل چهارم	بین‌گروهی	۲۰,۱۹	۱	۲۰,۱۹	۳۱,۰۱	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۵۰,۷۹	۷۸	۰,۶۵	--	--
	جمع	۷۰,۹۸	۷۹	--	--	--
عامل پنجم	بین‌گروهی	۱,۷۵	۱	۱,۷۵	۳,۵۷	۰,۰۶۲
	درون گروهی	۳۸,۲۰	۷۸	۰,۴۹	--	--
	جمع	۳۹,۹۵	۷۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی مقبولیت الگو از منظر جامعه، به استثنای عامل دوم (در یک نگاه جمعی (از حیث اقتصادی، اجتماعی و...)، منافع و مزایای اجرای الگوی پیشنهادی از مجموع هزینه‌های آن، برای جامعه بیشتر است) و عامل پنجم (اجرای الگوی پیشنهادی نیازمند همکاری اطلاعاتی و سازمانی نهادهای مرتبط با تأمین اجتماعی و کاهش شکاف طبقاتی در جامعه است) که هر دو گروه خبره در سطح معناداری ۵ درصد بر آن اتفاق‌نظر دارند، فرض صفر برای ۳ عامل دیگر که معرف مقبولیت از منظر جامعه در سطح ۵ درصد رد شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود دارد و یا به‌عبارتی در این ۳ عامل، بین دو گروه خبره حوزه بانکداری و مالی اسلامی و حوزه بانکداری اختلاف‌نظر وجود دارد.

بر این اساس و مبتنی‌بر تحلیل حد بالا و پایین آزمون مقایسه میانگین دو جامعه از نگاه خبرگان بانکداری و مالی اسلامی الگوی پیشنهادی در راستای ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی بانکداری (بانکداری اخلاقی) است و اجرای الگوی پیشنهادی موجب استفاده بیشتر و گسترده‌تر از نظام تأمین مالی خرد در کشور می‌شود و این در حالی است که خبرگان بانکداری با آن مخالف بوده‌اند. همچنین، خبرگان بانکداری بر این باور هستند که اجرای الگوی پیشنهادی موجب افزایش منفعت و رفاه طبقه نیازمند جامعه می‌شود و این در حالی است که خبرگان بانکداری و مالی اسلامی با آن مخالف هستند.

مشتریان بانک در این الگوی پیشنهادی به دودسته «مشتریان تسهیلات امتیازی» و «مشتریان تسهیلات غیرامتیازی» تقسیم می‌شوند. مشتریان دسته اول می‌توانند با سپرده‌گذاری تدریجی مبالغ خرد نزد بانک، ازیک‌طرف در سنت حسنه تأمین مالی خرد نیازمندان مشارکت کنند و از ثواب اخروی آن برخوردار شوند و از سوی دیگر، راهکاری برای تأمین مالی ارزان‌قیمت، جهت پوشش نیازهای خود پیدا کنند.

این الگو برای مشتریان دسته دوم که بدون سپرده‌گذاری، متقاضی دریافت تسهیلات هستند، نیز دارای فوایدی است. چنانچه متقاضیان در طبقات نیازمند همانند زنان سرپرست خانوار، افرادی که در مناطق محروم و دورافتاده زندگی می‌کنند، متقاضیان راه‌اندازی کسب‌وکار خرد و خوداشتغالی و... دسته‌بندی شوند، می‌توانند تسهیلات را با نرخ ترجیحی کمتر از مثلاً ۲۰ درصد (به صلاحدید و تصمیم بانک) دریافت نمایند.

از سوی دیگر بانک از طریق تأمین مالی خرد نیازمندان در قالب الگوی پیشنهادی، در راستای انجام وظایف اجتماعی و برقراری بانکداری اجتماعی گام‌های بلندی را برخواهد داشت. از مهم‌ترین اهداف بانکداری اخلاقی، پرداختن به مسائل اجتماعی و رفع فقر این دسته از افراد با رویکرد توانمندسازی آنان می‌باشد (ر.ک. عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳).

به شکلی گسترده این مطلب قابل اذعان است که مؤسسات مالی خصوصی که به‌طور انحصاری با مکانیسم بازار اداره می‌شوند و دارای ملاحظات سودمحور هستند،

به‌طورکامل و بی‌نقص درصدد رفع نیازهای مالی فقیرترین بخش جامعه و یا ارتقاء فعالیت‌های آنها و درنهایت رشد و پیشرفت اجتماعی نیستند. بنابراین رسالت عرفی و اجتماعی بانکداران، مقابله با فقر از طریق رفع مشکلات ناشی از محدودیت‌های تأمین مالی فقرا و بازتوانی و انتقال مهارت و فنون به آنان است. درعین‌حال می‌توان متصور شد که دسترسی بیش‌ازحد به منابع اعتباری در تمامی اشکالش، باید به‌عنوان یک حق انسانی مدنظر قرار گیرد. در کنار انجام وظایف اجتماعی، مزیت دیگر استفاده از این الگو برای بانک کسب شهرت (برند) و اعتبار در عرصه اجتماعی و بازار رقبا است. بدون شک این الگو قادر است مشتریان بیشتری را برای بانک جذب نماید و به شهرت و برندسازی بیشتر بانک کمک برساند (ر.ک. عیوضلو و قلیچ، ۱۳۹۳).

مزیت دیگر این الگو تعبیه سازوکاری جهت پوشش‌دهی هزینه‌های عملیاتی بانک اجراکننده الگو است. همان‌گونه که به تفصیل در الگوی پیشنهادی بیان گردید، در تسهیلات دسته اول (قرض‌الحسنه‌ای) کارمزد و در تسهیلات دسته دوم (تسهیلات مرابحه‌ای) کسر حق‌الوکاله از سود کل، لحاظ شده است. بنابراین این الگو فارغ از تأمین مالی خرد نیازمندان و انجام رسالت اجتماعی، راهکاری برای پوشش هزینه‌های عملیاتی نیز تدارک دیده است.

درنهایت از منظر جامعه، نفع اجتماعی و اقتصادی تأمین مالی خرد به اندازه‌ای است که پرداخت به تمام ابعاد آن در این مقاله نمی‌گنجد. حمایت از فقرا و نیازمندان و گروه‌های پایین و متوسط درآمدی، کمک به توزیع مناسب ثروت و درآمد در جامعه، گسترش عدالت‌مداری در رفع عدم دسترسی گروه‌های پائین درآمدی به خدمات مالی، اشتغال‌زایی در مناطق محروم، تقویت روحیه همکاری، مساعدت و تعاون اجتماعی تنها گوشه‌ای از این نفع اجتماعی است.

۶-۲-۳. بررسی مقبولیت الگو از منظر بانک

برای بررسی مقبولیت الگو از منظر بانک فرضیه زیر مطرح‌شده است که در این بخش آزمون مقایسه میانگین جوامع برای این بخش اجرا شده است.

- ✓ **فرضیه سوم**: تفاوتی بین مقبولیت الگوی پیشنهادی از منظر بانکداری بین دو گروه خبره شامل حوزه بانکداری و مالی اسلامی و حوزه بانکداری وجود ندارد.

جدول (۴): آزمون مقایسه میانگین جامعه

متغیّر		مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل اول	بین‌گروهی	۰,۵۴	۱	۰,۵۴	۰,۷۲	۰,۳۹۸
	درون گروهی	۵۸,۳۴	۷۸	۰,۷۴	--	--
	جمع	۵۸,۸۸	۷۹	--	--	--
عامل دوم	بین‌گروهی	۱,۲۳	۱	۱,۲۳	۱,۶۷	۰,۱۹۹
	درون گروهی	۵۷,۵۶	۷۸	۰,۷۳	--	--
	جمع	۵۸,۸۰	۷۹	--	--	--
عامل سوم	بین‌گروهی	۶,۲۷	۱	۶,۲۷	۶,۴۹	۰,۰۱۳
	درون گروهی	۷۵,۲۸	۷۸	۰,۹۶	--	--
	جمع	۸۱,۵۵	۷۹	--	--	--
عامل چهارم	بین‌گروهی	۰,۳۳	۱	۰,۳۳	۰,۴۵	۰,۵۰۳
	درون گروهی	۵۷,۱۵	۷۸	۰,۷۳	--	--
	جمع	۵۷,۴۸	۷۹	--	--	--
عامل پنجم	بین‌گروهی	۱,۹۳	۱	۱,۹۳	۲,۴۰۳	۰,۱۲۵
	درون گروهی	۶۲,۸۱	۷۸	۰,۸۰	--	--
	جمع	۶۴,۷۵	۷۹	--	--	--

متغیّر		مجموع مربع‌ها	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
عامل ششم	بین‌گروهی	۶,۳۶	۱	۶,۳۶	۱۷,۷۳	۰,۰۰۰
	درون گروهی	۲۸,۰۱	۷۸	۰,۳۵	--	--
	جمع	۳۴,۳۸	۷۹	--	--	--
عامل هفتم	بین‌گروهی	۱,۹۹	۱	۱,۹۹	۵,۰۰	۰,۰۲۸
	درون گروهی	۳۰,۹۹	۷۸	۰,۳۹	--	--
	جمع	۳۲,۹۸	۷۹	--	--	--
عامل هشتم	بین‌گروهی	۰,۵۴	۱	۰,۵۴	۰,۹۵	۰,۳۳۳
	درون گروهی	۴۴,۳۴	۷۸	۰,۵۶	--	--
	جمع	۴۴,۸۸	۷۹	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی مقبولیت الگو از منظر بانک، به استثنای عامل سوم (مجموع ریسک‌های «بانک عامل» با اجرای الگوی پیشنهادی افزایش نمی‌یابد)، عامل ششم (در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، شهرت و اعتبار «بانک عامل» از حیث رعایت بهتر موازین شریعت و بانکداری اسلامی افزایش می‌یابد) و عامل هفتم (در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، کارآمدی و سودآوری «بانک عامل» از حیث اقتصادی و مالی افزایش می‌یابد)، فرض صفر برای سایر عوامل معرف مقبولیت از منظر بانک در سطح ۵ درصد تأیید شده و تفاوت معناداری بین میانگین جوامع وجود ندارد. به‌عبارتی، هر دو گروه بر سر این مسائل که الگوی فعلی تسهیلات امتیازی قرض‌الحسنه در برخی از بانک‌های ایران، مانع استقبال مشتریان از این الگوی پیشنهادی می‌شود و الگوی پیشنهادی مورد استقبال بانک‌های علاقه‌مند به الگوهای تأمین مالی خرد قرار خواهد گرفت، توافق دارند. همچنین از نگاه هر دو گروه خبره الگوی

پیشنهادی موجب وارد شدن شوک منفی به جریان کلی سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری در کشور نمی‌شود و در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، شهرت و اعتبار «بانک عامل» از حیث برندسازی و جذب و بقای مشتری افزایش می‌یابد. درمجموع از نگاه هر دو گروه خبره، کلیت الگوی پیشنهادی برای بانک‌های علاقه‌مند به الگوهای تأمین مالی خرد، مناسب است، اما بین دو گروه خبره در ارتباط با عامل سوم، ششم و هفتم اختلاف‌نظر وجود دارد. براساس تحلیل حد بالا و پایین خروجی‌های نرم‌افزار در این عوامل دریافتیم که از نگاه خبرگان بانکداری و مالی اسلامی مجموع ریسک‌های «بانک عامل» با اجرای الگوی پیشنهادی افزایش نمی‌یابد و در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، شهرت و اعتبار «بانک عامل» از حیث رعایت بهتر موازین شریعت و بانکداری اسلامی افزایش می‌یابد؛ هرچند خبرگان حوزه بانکداری با این نظر مخالف بودند و از سوی دیگر ازنظر خبرگان بانکداری در صورت اجرای صحیح اجرای الگوی پیشنهادی، کارآمدی و سودآوری «بانک عامل» از حیث اقتصادی و مالی افزایش می‌یابد و این در حالی است که خبرگان بانکداری و مالی اسلامی با این نظر موافق نیستند.

نتیجه‌گیری

نظر به اهمیت و نقش مهم تأمین مالی خرد در نظام مالی و ضرورت پرداخت بهتر به این تأمین مالی در شبکه بانکی کشور و با توجه به محدودیت‌ها و چالش‌های فراروی تأمین مالی خرد مبتنی‌بر عقد قرض‌الحسنه، این تحقیق درصدد ارائه الگویی نوین مبتنی‌بر عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه نموده است.

جامعه هدف این الگوی پیشنهادی، اقشار ضعیف و متوسط جامعه و تابع هدف آن تأمین مالی خرد برای گروه جامعه هدف است. در این الگو تجهیز منابع با استفاده از عقد وکالت خاص (وکالت برای انجام عملیات قرض‌الحسنه و مرابحه) با انتقال سود سپرده حاصل از تسهیلات مرابحه‌ای به «صندوق آینده»، و تخصیص منابع با استفاده از عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه در دو قالب تسهیلات امتیازی و غیرامتیازی پیشنهاد شده است. در ادامه مؤلفه‌های مقبولیت الگوی پیشنهادی از سه منظر «نظام مالی

اسلامی»، «جامعه» و «بانک» طرح‌شده و سپس براساس نقطه‌نظرات خبرگان و با استفاده از روش مقایسه میانگین چند جامعه (ANOVA) این مؤلفه‌ها موردسنجش قرارگرفته است. نتایج برآمده از مدل مذکور بیانگر پذیرش کلیت الگوی پیشنهادی تحقیق است گرچه در موارد معدودی از مؤلفه‌ها، اختلاف‌نظرهایی مشاهده شده است.

درمجموع با توجه به تحلیل نظری و نتایج برآمده از نظرسنجی خبرگان به نظر می‌آید این الگو قادر است گامی مثبت در مسیر نظام تأمین مالی خرد و تقویت اقشار ضعیف در اقتصاد کشور بردارد. البته ضمانت بازگشت تسهیلات می‌تواند در قالب تأمین مالی‌های گروهی[۲۰] تدارک دیده شود که به علت محدودیت مقاله بدان پرداخته نشد. بدیهی است الگوی پیشنهادی این تحقیق در سطح ایده‌آل و کامل قرار ندارد و با ارائه نظرات محققین و صاحب‌نظران امکان تقویت و تکمیل شدن را دارا است.

پرداخت به ابعاد حسابداری، مدیریت مالی و اقتصاد کلان این الگو ازجمله حوزه‌هایی است که برای تحقیقات آتی به جامعه محققین و پژوهشگران گرامی توصیه می‌گردد.

یادداشت‌ها

1. Douglas
2. Bank for International Settlements
3. Grameen Bank
4. Bank Rakyat Indonesia
5. Amanah Ikhtiar Malaysia
6. Viswanath
7. Zhang
8. Muridan & Ibrahim
9. Morduc
10. Van Rooyen, Stewart & De Wet
11. Hadisumarto & Ismail

۱۲. بخش‌هایی از این پیشنهاد، در طرحی پژوهشی که نویسندگان برای بانک قرض‌الحسنه مهر ایران به انجام رسانیده‌اند، مطرح شده است.

۱۳. وکالت خاص نوعی از وکالت است که در آن وکالت و محدوده اختیارات وکیل معلوم است. به‌عبارتی موضوع وکالت خاص در ارتباط با یک یا چند مال مخصوص و یا انجام یک یا چند کار معیّن است که در وکالت‌نامه به آن تصریح شده است. همچنین حیطه

اختیارات نیز به نحو خاص مشخص و محدود شده است. البته می‌توان از وکالت عام از جهت متعلق وکالت و خاص از جهت تصرف نیز استفاده کرد. به‌عنوان مثال در این قسم از وکالت موکل می‌گوید هر آنچه از اموال من که صلاح می‌دانی، بفروش. یعنی متعلق وکالت عام ولی جهت تصرف خاص است (قلیچ، ۱۳۹۸، ص. ۴).

۱۴. لازم به اشاره است که ضمانت بازگشت تسهیلات می‌تواند در قالب تأمین مالی‌های گروهی تدارک دیده شود که به علت محدودیت‌های مقاله بدان پرداخته نشده است.

۱۵. کلیه ارقام و درصدها به صورت فرضی است و صرفاً جهت تفهیم الگو به‌کار رفته است.

۱۶. تمامی ارقام به نحو تقریبی و صرفاً برای درک بهتر الگو است و می‌تواند متناسب با شرایط و نرخ تورم، صلاحدید بانک و یا شورای پول و اعتبار تغییر کند.

۱۷. امتیاز اختصاص یافته به سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه در سپرده‌های امتیازی قرض‌الحسنه می‌تواند به نوعی مازاد بر اصل قرض به حساب بیاید و شبهاتی از حیث قرض همراه با زیاده را پدید آورد. البته این مسأله در حد یک شبهه است و نیازمند بررسی دقیق‌تر و جامع در سایر تحقیقات دارد.

۱۸. البته کسب جواز از بانک مرکزی به‌عنوان مقام ناظر پولی نظام بانکی ایران ضروری است.

۱۹. بنا به محدودیت حجمی مقاله از تبیین بیشتر ضوابط فقهی الگو صرف‌نظر شده است. علاقمند جهت کسب اطلاع بیشتر به موسویان و میثمی (۱۳۹۵) مراجعه فرمایند.

20. Group Lending

کتابنامه

ابراهیمی، سجاد؛ و باغستانی میبدی، مسعود (۱۳۹۰). مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض‌الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد. *مجله اقتصادی ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، ۱(۱۱)، ۷۳-۸۸.

احمدخان، اعجاز؛ عبیداله، محمد؛ و خان، طریق‌اله (۱۳۹۱). *تأمین مالی خرد اسلامی* (سید محمدرضا سیدنورانی، مترجم). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

درودی، هما؛ آب‌چر، بهجت؛ و جوان، بهمن (۱۳۹۸). نقش تسهیلات خرد پست بانک در توسعه اقتصادی مناطق روستایی شهرستان زنجان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۸(۲۹)، ۶۷-۹۰.

سیفی‌پور، رویا؛ امین‌رشتی، نارسیس؛ و نوابی‌زند، کامران (۱۳۹۷). بررسی آثار سیاست اعتباری خرد بر شاخص توزیعی درآمد به تفکیک استان‌های کشور. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۲-۴۵، ۱۲۷-۱۴۶.

شهیدی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی تأمین مالی خرد در بانک‌های ایران: درس‌هایی برای طراحی نظام تأمین مالی خرد اسلامی. *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۱(۲۱)، ۹۷-۱۲۴.

شهیدی‌نسب، مصطفی؛ و موسویان، سید عباس؛ و فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۹۶). مهندسی مالی عقود در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۷(۶۷)، ۱۴۱-۱۷۲.

طاهری، ماندانا؛ و امینی؛ یاسین (۱۳۹۹). نقش حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی. *دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۱)، ۱-۳۸.
doi: 10.30497/ifr.2020.75400

عیوضلو، حسین؛ و قلیچ، وهاب (۱۳۹۳). *بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی: ضوابط خلاقی و تدابیر ساختاری*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

قلیچ، وهاب (۱۳۹۸). *وکالت در بانکداری بدون ربا؛ کاربردها و چالش‌ها*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

محقق‌نیا، محمدجواد؛ و باوفا گلیان، علی‌اکبر (۱۳۹۶). شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۷(۶۵)، ۱۹۹-۲۲۲.

موسویان، سیدعباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۵). *بانکداری اسلامی، مبانی نظری- تجارب عملی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

Ahmad Khan, M; Obeydollah, M; & Khan, T. (1391). Islamic Microfinance (Seyed Mohammad Reza Seyed Noorani, Translator). Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran (In Persian).

Barometer, M. (2019). 10 years already! A Look Back at the Trends in Microfinance, 10th Edition.

Droudy, H; Abucher, B; & Javan, B. (1398). The Role of Post Bank Micro-Facilities in the Economic Development of Rural areas of Zanjan City. *Journal of Space Economics and Rural Development*, 8 (29), 67-90 (In Persian).

Douglas, P. (2003). Financial Services for the Rural Poor, Helping to Improve Donor Effectiveness in Microfinance, Donor Brief, No. 15, October 2003, CGAP Donor Information Resource Centre.

Ebrahimi, S; & Baghestani Meybodi, M. (2011). Comparison of Commercial Bank and Qarz al-Hasna Institution in the field of Micro-Financing. *Journal of Economic Review of Economic Issues and Policies*, 1 (11), 73-88 (In Persian).

Eyuzlu, H; & Qelich, W. (2014). Ethical Banking with an Islamic Approach: Creative Criteria and Structural Measures. Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran (In Persian).

Hadisumarto, W. B. M. C., & Ismail, A. G. B. (2010). Improving the Effectiveness of Islamic Micro-Financing: Learning from BMT Experience. *Humanomics*.

Ledgerwood, J. (1998). *Microfinance handbook: An Institutional and Financial Perspective*. World Bank Publications.

Morduch, J. (2013). How Microfinance Really works. *Milken Institute Review Second Quarter*, 51-59.

Mohagheghnia, M, J; & Bavafa Golian, A, A. (2017). Identifying the Factors Affecting Microfinance in Iran. *Journal of Economic Research*, 17 (65), 199-222 (In Persian).

Mousavian, S, A; & Meysamy, H. (2016). Islamic Banking, Theoretical Foundations - Practical Experiences. Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran (In Persian).

Muridan, M., & Ibrahim, P. (2016). Micro Financing for Microenterprises in Malaysia: A Review. *International Business Management*, *10*(17), 3884-3891.

Qelich, W (1398). Advocacy in Interest-free Banking; Applications and Challenges. Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran (In Persian).

Robinson, M. (2001). *The Microfinance Revolution: Sustainable Finance for the Poor*. World Bank Publications.

Seifipour, R; Amino Rashti, N; & Nawabizand, K. (1397). Investigating the Effects of Microcredit Policy on Income Distribution index by Provinces. Financial Economics Quarterly, 12-45, 127-146 (In Persian).

Shahidnasab, M. (1393). Pathology of Microfinance in Iranian Banks: Lessons for Designing an Islamic Microfinance System. *Bi-Quarterly Journal of Iranian Economic Research*, 11 (21), 97-124 (In Persian).

Shahidnasab, M; Mousavian, S, A; & Farahani-Fard, S. (2017). Financial Engineering of Contracts in Islamic Micro-Financing in Iran. *Islamic Economics Quarterly*, 17 (67), 141-172 (In Persian).

Taheri, M; & Amini; Y. (1399). The Role of Corporate Governance and Respect for the Rights of Stakeholders in Islamic Banking. *Bi-Quarterly Journal of*

Islamic Financial Research, 10 (1), 1-38 (In Persian). doi: 10.30497 / ifr.2020.75400

Van Rooyen, C., Stewart, R., & De Wet, T. (2012). The Impact of Microfinance in Sub-Saharan Africa: a Systematic Review of the Evidence. *World Development*, *40*(11), 2249-2262.

Viswanath, P. V. (2018). Microcredit and Survival Microenterprises: The Role of Market Structure. *International Journal of Financial Studies*, *6*(1), 1.

Zhang, Q. (2017). Does Microfinance Reduce Poverty? Some International Evidence. *The BE Journal of Macroeconomics*, *17*(2).

https://www.bis.org/